



قلمرو زبانی

- ۱- از متن درس، با توجه به رابطه‌ی معنایی «تناسب»، واژه‌های مناسب انتخاب کنید و در جاهای خالی قرار دهید.
*خیلتاش، حَشم، ندیمان *رُفعت، دوات، دبیر، قلم
- ۲- معادل معنایی فعل‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.
*فرمان داد: مثال داد *سوار اسب شد: بر نشست *اجازه حضور داده شود: بار داده آید
- ۳- کاربرد معنایی واژه «محبوب» را در عبارت‌های زیر بررسی کنید.
*محبوب گشت از مردمان، مگر از اطبا و...
«محبوب» هم‌خانواده با «حجب» و «حجاب» است و معنای آن «پنهان شدن و مستور» است.
*مردی محبوب بود و دیده و دلش از گناه به دور.
در این عبارت «محبوب» در معنای «با حیا بودن و شرم داشتن» به کار رفته است.
- ۴- به دو جمله زیر و تفاوت آن‌ها توجه کنید:
الف) مریم کتاب می‌خواند. ب) کتاب خوانده می‌شود.
فعل جمله «الف» به «نهاد» و فعل جمله «ب» به نهادی که قبلاً مفعول بوده است، نسبت داده شده است. فعل جمله «الف» را «معلوم» و فعل جمله دوم را «مجهول» می‌نامیم. با دقت در جدول زیر، با ساخت و شیوه مجهول کردن جمله‌ی معلوم آشنا می‌شویم:

ساخت	نهاد	مفعول	فعل
معلوم	مریم	کتاب	می‌خواند.
مجهول	کتاب	→	خوانده می‌شود.
معلوم	مریم	کتاب	خواهد خواند.
مجهول	کتاب	→	خوانده خواهد شد.

درس ۲ فارسی یازدهم

کارگاه متن پژوهی، شعرخوانی (نثر و مکتب) و پرسش‌های چهارگزینه‌ای

همان‌طور که می‌بینید در مجهول ساختن جمله معلوم:

الف) نهاد جمله معلوم را حذف می‌کنیم.

ب) مفعول جمله معلوم را در جایگاه نهاد قرار می‌دهیم.

پ) فعل اصلی جمله را به شکل «بن ماضی + ه/هـ» می‌نویسیم؛ سپس، از «شدن»، فعلی متناسب با شناسه و زمان فعل اصلی می‌آوریم.

ت) در مرحله آخر، شناسه فعل را با نهاد جدید، از نظر شمار (مفرد یا جمع) مطابقت می‌دهیم.

توجه: امروزه، فعل مجهول به کمک مصدر «شدن» ساخته می‌شود؛ اما در گذشته، با فعل‌های دیگری، مانند «آمدن» و «گشتن» نیز ساخته می‌شد.

* اکنون از متن درس، نمونه‌هایی از فعل مجهول بیابید و معادل امروزی آن‌ها را بنویسید.

نامه‌ها گسیل کرده شود: نامه‌ها فرستاده شود. نامه نبشته آمد: نامه نوشته شد.



قلمرو ادبی

۱- دو نمونه از ویژگی‌های نثر متن درس را بیابید.

۱- کوتاه و رسا بودن جملات (ایجاز)؛ نمونه: «ببردم و راه یافتم و برسانیدم و امیر بخواند و گفت: نیک آمد.»

۲- دقت و صداقت در بیان؛ ۳- ریزی، توجه به جزئیات و توصیف دقیق صحنه‌ها: «یافتم خانه تاریک کرده و پرده‌های کتاب آویخته و تر کرده و بسیار شاخه‌ها نهاده و...»؛ ۴- جابه‌جایی ارکان دستوری جمله؛ نمونه: آن را

امیرالمؤمنین می‌روا دارد سندن؛ ۵- استواری و پختگی نوشتار

۲- در عبارت‌های زیر، «مجاز»‌ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

الف) به کران آب فرود آمدند و خیمه‌ها و شراع‌ها زده بودند.

«آب» مجاز از رودخانه

ب) زری که سلطان محمود به غزو از بت‌خانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده.

«شمشیر» مجاز از جنگ

درس ۲ فارسی یازدهم

کارگاه متن پژوهی، شعرخوانی (نثر و مکتب) و پرسش‌های چهارگزینه‌ای



قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.

امیر از آن جهان آمده به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.

امیر مسعود که از مرگ نجات یافته بود، به خیمه خود رفت و لباس‌هایش را عوض کرد.

۲- با توجه به جمله «این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد»:

الف) مقصود از «این مرد» چه کسی است؟

بونصرمشکان، دبیر مسعود غزنوی و استاد ابوالفضل بیهقی

ب) «دبیر کافی» به چه معناست؟

نویسنده‌ی باکفایت و لایق و دانای کار

۳- گوینده عبارت زیر، از کدام فضیلت‌های اخلاقی برخوردار است؟

«آن چه دارم از حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجت‌مند نیست.»

دارای عزت نفس، قانع، بلند نظر، حلال‌خور، توجه نداشتن به مادیات.

۴- درباره‌ی مناسبت مفهومی بیت زیر و متن درس توضیح دهید.

حساب خود این جا کن، آسوده دل شو
می‌فکن به روز جزا کار خود را

صائب تبریزی

این بیت با سخنان قاضی بُست و پسرش تناسب دارد. قاضی بُست و پسرش از حساب روز جزا می‌ترسند و داشته‌های

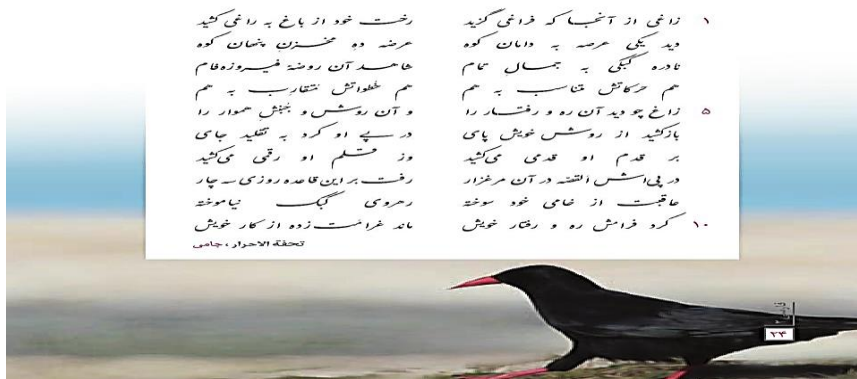
اندکشان قانع هستند. در بیت صائب نیز بر این نکته تأکید شده است که پیش از فرارسیدن روز جزا، حسابان را در همین

دنیا پاک کنیم.

درس ۲ فارسی یازدهم

نارنگه متن پژوهی، شعرخوانی (نثر و کبک) و پرسش های چهارگزینه ای

شعرخوانی زاغ و کبک



زاغ و کبک

زاغی از آن جا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید

قلمرو زبانی: زاغ: کلاغ، غراب / راغ: دامنه سبز کوه، مرغزار، صحرا / فراغ: آسایش، راحتی.
قلمرو ادبی: زاغ: نماد کسانی که تقلید کورکورانه می کنند. / جناس ناهمسان اختلافی: زاغ و راغ و باغ / فراغ و راغ / رخت کشیدن: کنایه از سفر کردن و از جایی رفتن. / واج آرایی صامت «غ» و «ی»
قلمرو فکری: زاغی به دلیل آنکه به دنبال آسایش و راحتی بیشتری بود، تصمیم گرفت از باغ به صحرایی برود. (مفهوم کلی: سفر برای طلب آسایش)

دید یکی عرصه به دامان کوه / عرصه ده مخزن پنهان کوه

قلمرو زبانی: عرصه: میدان، فضای خالی، صحرا / عرصه ده: نشان دهنده.
قلمرو ادبی: جناس ناهمسان (ناقص) اختلافی: عرصه و عرصه / اضافه استعاره و تشخیص: دامان کوه.
قلمرو فکری: در دامنه کوه فضایی دید که نشان دهنده و بیان کننده زیبایی های پنهان کوه بود (= رنگ رخساره خبر می دهد از سر ضمیر).

نادره کبکی به جمال تمام / شاهد آن روضه فیروزه فام

قلمرو زبانی: نادره: بی مثل و مانند / نادره کبک: ترکیب وصفی مقلوب / شاهد: زیبارو، محبوب / روضه: باغ، گلزار. جمع آن: ریاض / فیروزه: سنگی قیمتی به رنگ آبی مایل به سبز یا سبز زیتونی و سبز مایل به زرد / فیروزه فام: به رنگ فیروزه (پیروزه)، کبود، آسمانی.

قلمرو ادبی: ایهام در واژه «شاهد»: ۱. گواه ۲. زیبارو.
قلمرو فکری: کبکی کم یاب و بی مانند، زیباروی آن باغ فیروزه ای (سرسبز) بود.

درس ۲ فارسی یازدهم

کارگاه متن پژوهی، شعرخوانی (نثر و کبک) و پرسش های چهارگزینه ای

هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش متقارب به هم

قلمرو زبانی: خُطوات: ج خُطوة، قدم ها، گام ها / متقارب: همگرا، نزدیک شوند، نزدیک به هم.
قلمرو ادبی: تکرار: واژه «هم» چهار بار آمده است. / جناس تام: هم و هم. / ترصیع (استفاده از سجع های متوازی در واژه های دو مصراع) این آرایه برای رشته انسانی است:

هم حرکاتش متناسب به هم
↓ ↓ ↓ ↓ ↓
هم خطواتش متقارب به هم

نمونه دیگر ترصیع (تقابل سجع های متوازی): ای منور به تو نجوم جلال / وی مقرر به تو رسوم کمال
قلمرو فکری: هم حرکاتش هماهنگ بود، هم گام هایش نزدیک به هم و زیبا.

زلغ چو دید آن ره و رفتار را وان روش و جنبش هموار را

قلمرو زبانی: چو: هنگامی که / ره: کوتاه شده (مخفف) راه، روش، راه رفتن، آیین / جنبش: تکان، حرکت.
قلمرو ادبی: واج آرای: تکرار «ر» / قافیه: رفتار، هموار / ردیف: را.
قلمرو فکری: زاغ وقتی راه رفتن و حرکات موزون و متناسب کبک را دید...
نکته: این بیت موقوف المعانی یا وابسته معناست با بیت سپسین.

باز کشید از روش خویش پای وز پي او کرد به تقلید جای

قلمرو زبانی: تقلید: پیروی، متابعت.
قلمرو ادبی: مصراع نخست کنایه از دست کشیدن و رها کردن / جناس ناهمسان اختلافی: پای و جای.
قلمرو فکری: از رفتار خود دست کشید و به تقلید از کبک تقلید روی آورد.

بر قدم او قدمی می کشید وز قلم پارتمی می کشید

قلمرو زبانی: قلم، رقم: تناسب.
قلمرو ادبی: کنایه در هر دو مصراع (= پیروی و تقلید کورکورانه) / جناس همسان (تام): «می کشید» در مصراع نخست: می گذاشت، برمی داشت؛ در مصراع دوم: رسم کردن و نقاشی / جناس ناهمسان اختلافی: قدم، قلم / قلم: مجاز از نوشته و نقش / واج آرای: تکرار حرف های «ق، م» / تکرار (واژه آرای): واژه «قدم» دو بار آمده است. / رقمی می کشید: می نوشت، می نگاشت.
قلمرو فکری: مانند کبک گام برمی داشت (پا جای پای کبک می گذاشت) و از روی نوشته های او می نوشت. (مثل کبک راه می رفت و از او پیروی می کرد).

درس ۲ فارسی یازدهم

نگاره متن پژوهی، شعرخوانی (نثر و کبک) و پرسش های چهارگزینه ای

در پی اش اَلْقَصَہ در آن مرغزار رفت بر این قاعده روزی سه چار

قلمرو زبانی: القصه: باری، خلاصه / مرغزار: سبزه زار، چراگاه، دشت، چمنزار / قاعده: پایه، روش، اساس / روزی سه چار: سه چهار روز (ترکیب وصفی مقلوب)

قلمرو فکری: خلاصه، چند روز در آن چمنزار به این شیوه (=تقلید از کبک) سپری کرد.

عاقبت از خامی خود سوخته رهروی گبک نیاموخته

قلمرو زبانی: خامی: ناپختگی، بی تجربگی / رهروی: راه رفتن.

قلمرو ادبی: خام بودن: کنایه از بی تجربه بودن / واج آرایي: تکرار حرف «خ» / سوختن: کنایه از زیان دیدن / از خامی خود سوختن: متناقض نما (پارادوکس) / تضاد: خامی، سوخته.

قلمرو فکری: سرانجام [زاغ] در حالی که به خاطر بی تجربگی، زیان دیده بود و راه رفتن کبک را نیاموخته بود... نکته: این بیت موقوف المعانی یا وابسته معناست با بیت سپسین.

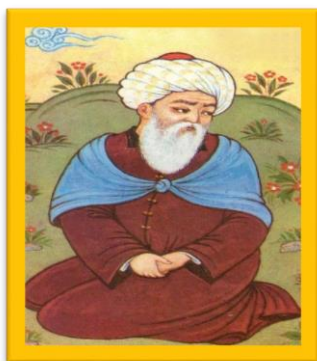
کرد فرامش ره و رفتار خویش ماند غرامت زده از کار خویش

تحفه الاحرار، جامی

قلمرو زبانی: فرامش: فراموش / ره و رفتار: راه رفتن و حرکت / غرامت: تاوان، پشیمانی، عذاب / غرامت زده: تاوان زده، زیان دیده، کسی که غرامت کشد.

قلمرو ادبی: تکرار (واژه آرایي): خویش.

قلمرو فکری: [زاغ] راه و روش خود را فراموش کرد و از این کار خود زیان دید و پشیمان شد. (مفهوم: پشیمانی از تقلید کورکورانه)



جامی: نورالدین عبدالرحمن بن احمد بن محمد، معروف به جامی و ملقب به خاتم الشعرا شاعر، موسیقی دان و ادیب نام دار فارسی زبان سده ۹ قمری است. آثار جامی عبارتند از: سلسله الذهب، سلامان و ابسال، تحفه الاحرار، یوسف و زلیخا، خردنامه اسکندری و... .

درک و دریافت

۱- این سروده را از دید لحن و آهنگ خوانش، بررسی نمایید.

لحن این سروده، روایی - داستانی و آهنگ آن ملایم و نرم است.

۲- با توجه به قلمرو فکری شعر، درباره ریشه های پیامدهای تقلید نابه جا و کورکورانه، گفت و گو کنید. تهاجم فرهنگی و تقلید کورکورانه از رفتارهای غربی در مواردی با فرهنگ ما همخوانی ندارد و پیامدهای شومی دارد که... .

درس ۲ فارسی یازدهم

کارگاه متن پژوهی، شعرخوانی (نثر و کبک) و پرسش های چهارگزینه ای

پرسش های چهارگزینه ای:

۱. مفهوم ابیات زیر با کدام بیت تناسب ندارد؟ (کنکور سراسری ریاضی ۱۳۸۸)

«عاقبت از خامی خود سوخته رهروری کبک نیاموخته»

کرد فرامش ره و رفتار خویش مانند غرامت زده از کار خویش»

۱) کلاغی تک کبک در گوش کرد / تک خویشان را فراموش کرد

۲) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار / کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست

۳) مسکین خرک آرزوی دم کرد / نایافته دم دو گوش گم کرد

۴) ما را هرچند بهتر پروری / چون یکی خشم آورد کیفر بری

۲. بیت زیر، با کدام ابیات تناسب مفهومی دارد؟

«عاقبت از خامی خود سوخته رهروی کبک نیاموخته»

الف) مشک حیف است که با دوده شود همسر / کبک زشت است که با زاغ شود همدم

ب) روش کلک من از خامه ایشان مطلب / که کلاغ ارچه بکوشد نشود کبک حرام

ج) اف بر آن سرزمین که طعنه زند / زاغ دشتی به کبک کھساری

د) طبع دون از ره تقلید به نیکان نرسد / پای اگر خواب کند، چشم نخوانند آن را

۱) الف و ج ۲) ب و ج ۳) ب و د ۴) ج و د

۳. همه بیت ها به جز بیت به عدم تقلید کورکورانه، توصیه می کند. (کنکور سراسری زبان ۱۳۸۵)

۱) چند منقاد هر کس باشی جهد کن تا که خود کسی باشی

۲) هم ز خود جوی هر چه می جویی که به غیر از تو در جهان کس نیست

۳) خودپسندی مکن که اهل نظر کم پرستند خودپرستان را

۴) پی تقلید رفتن از کوری است در هر کس زدن ز بی نوری است

۴. مفهوم همه ابیات به جز بیت دعوت به ابداع و نوآوری و پرهیز از تقلید نابهاست؟ (کنکور

سراسری ریاضی ۱۳۸۴)

۱) مشو مقید همراه اگر چه توفیق است که از جریده روی کار مهر بالا رفت

۲) در پس آینه طوطی صفتم داشته اند آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم

۳) خواه بد و خواه نیک هر چه کنی تازه کن تن به تتبع مده مخترع کار باش

۴) از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال هر که گردد خم نشین باید که افلاطون شود

۵. «تقلید کورکورانه و خودباختگی» به شکلی نمادین موضوع کدام یک از موارد زیر است؟

۱) زاغ و کبک از تحفه الاحرار ۲) مناظره خسرو و شیرین

۳) حکایت همت از بهارستان جامی ۴) قاضی بخت از تاریخ بیهقی